

اعتدال در قرآن، کلام و سیره معصومین (ع)

مرادعلی ولدبیگی^۱، مسعود اقبالی^۲، فریدون رضایی^۳

چکیده:

نوشته حاضر واکاوی است بر مهم ترین مباحث تربیتی در اسلام، یعنی اعتدال که تلاش شده است بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و نهج‌البلاغه و برگرفته از تعلیمات مدرسه پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) باشد. این جستار در چند بخش تنظیم شده است که دارای موضوعاتی به هم پیوسته و دارای یک جهت گیری کلی می‌باشد. ابتدا، تعریف واژه اعتدال از نظر لغت و اصطلاح دوم، تبیین مفهوم عدل و عدالت به تاسی از آیات قرآن کریم، نهج‌البلاغه و ائمه معصومین (ع) به‌عنوان مصداق عینی و عملی الگوی اعتدال در عالم خلقت، سوم، توضیح و بیان شمه ای از گستره اعتدال، در دوستی و دشمنی، در آموزه های اسلامی در گستره، تکوین، تشریح، جزا و پاداش و چهارم، اعتدال در قرآن و شکل‌گیری نظام احسن و تجلی اعتدال در رفتارهای انسانی مورد پژوهانه این مقاله می‌باشد.

و در پایان این نوشتار پیشنهاد می‌شود چنانچه در جامعه اعتدال رعایت شود نه تنها فرصت های برابر را برای همه به وجود می‌آورد بلکه هر نوع تبعیض و اندیشه طبقاتی را از بین می‌برد و مردم از حقوق حقه خود برخوردار می‌شوند و جامعه ای مؤمن و متقی، آگاه و کوشا به وجود می‌آید.

کلمات کلیدی: اعتدال، قرآن، کلام معصومین، نظام احسن.

پیش خوان:

^۱ دکتری زبان و ادبیات عرب مدرس دانشگاه فرهنگیان و استاد مدعو دانشگاه ایلام. ایمیل: dr.valabeigy@yahoo.com
^۲ استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی ایلام) masood.eghbali89@gmail.com
^۳ کارشناس ارشد تفسیر قرآن مجید (دانشکده علوم قرآنی ایلام). ۰۹۱۸۲۳۸۰۸۸۵ - rezaiy.1985@gmail.com

هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. با توجه به سیال بودن واژه (اعتدال) و امکان برداشت های شخصی از این اصطلاح، نکاتی در قالب ملاحظات در این نوشتار عرضه می‌شود: به معنای این واژه اشاره می‌کنیم (اعتدال) در زبان عربی ثلاثی مزید بر وزن افتعال از ریشه (عدل) به معنای میانه‌روی و میانه است و با یکی از معنای واژه ((اقتصاد)) در زبان عربی مترادف است. در مقابل انحراف از اعتدال و گرایش به فزون تر (افراط) یا (اسراف) و گرایش به کمتر (تفریط) خوانده می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید (كُلُّ مَا زَادَ عَلَيَّ الْاِقْتِصَادِ اسْرَافٌ) هر چه از حد اعتدال و میانه خارج شود، اسراف است. در قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) سفارش به میانه‌روی و اعتدال فرولان به چشم می‌خورد. لقمان حکیم به فرزندش سفارش می‌کند (واقصد فی مشیک) در مشی و رفتار خویش معتدل باش. پیامبر اعظم (ص) در روایتی می‌فرماید: (التَّوَدُّةُ وَ الْاِقْتِصَادُ وَ السَّمْتُ الْحَسَنُ جَزَعٌ مِنْ اَرْبَعٍ وَ عَشْرِينَ جَزْءً مِنَ النَّبُوَّةِ) تانی و اعتدال و نیک نامی بخشی از بیست و چهار بخش پیامبری است ((حضرت علی (ع) در نامه ای به زیاد می‌نویسد (فَدَعَ الْاِسْرَافَ مَقْتَصِدًا، اسراف را کنار بگذارد و میانه‌روی پیشه کن) لازم به ذکر است که اعتدال دایره وسیعی دارد و در یک مورد خاص محدود نمی‌باشد. در باب گستره اعتدال، می‌توان به اعتدال در اصول اعتقادی، در مناسک و عبادات، در برنامه های اخلاقی، در ملاحظات اجتماعی و سیاسی، در مسائل خانوادگی و در توجه به دنیا اشاره کرد. مساله اعتدال نه تنها صرفاً یک توصیه ساده اخلاقی یا دستور عادی دینی، آن هم در برخی زمینه‌ها نیست و از این سطوح بالاتر است، بلکه میانه‌روی و اعتدال، یکی از خطوط برجسته جهان بینی توحیدی است که بر همه شوون و ساحت های حیات، سایه افکنده است و نه تنها تشریحاً بلکه تکویناً نیز خداوند به مقتضای حکمت بالغه خویش، نظام هستی را بر پایه اعتدال و تعادل آفریده و براساس تناسب و توازن استوار ساخته است (والاسماء رفعتها و وضع المیزان) (الرحمان: ۷) و شکل مطلوب عالم و آدم، حالت میانه، متعادل و متوازن آنهاست و لذا انسان، فطرتاً و طبعاً میانه‌روی را می‌پسندد. و به نظر می‌رسد همین مطلوبیت عام (اعتدال) که حتی بدون در نظر گرفتن دلائل نقلی اسلامی نیز مورد پسند طبع و عقل سلیم انسان - باهر دین، مذهب و گرایشی - می‌باشد سبب شده تا بدین گستردگی مورد طمع فرصت طلبان و سوء استفاده گران - به صورت ویژه در ساخت سیاست - قرار گیرد و به صورتی نابجا به کار برده شود.

بیان مسأله:

- ۱ در بینش اسلامی مرتبه ای برتر و جلوتر از اعتدال نیست.
- ۲ میانه‌روی و اعتدال، یکی از خطوط برجسته جهان بینی توحیدی است لذا خداوند نظام هستی را بر پایه اعتدال و تعادل آفریده و براساس تناسب و توازن استوار ساخته است.
- ۳ چنانچه از حدود و ثغور الهی به هر شکل و دلیلی تخطی شود بر قانون اعتدال در جامعه خدشه وارد شده و موجب تشتت اراء در بین مردم شده لذا رعایت اعتدال در جامعه امری اجتناب ناپذیر است.

۴ بنا بر این حکومت و مردم در رعایت اعتدال ملازم و مکلف به اجرای دستورات و قوانین می‌باشند تا همه احاد مردم بطور مساوی از حقوق شهروندی برخوردار شوند.

ضرورت تحقیق:

۱ از آن جایی که جوامع امروزی در تمام شرایط وامورات زندگی نسبت به گذشته در حال تغییر و تحول بنیادی می‌باشند و مسأله حقوق مردم از اهم واجبات می‌باشد لذا توجه به اصل عدالت و رعایت اعتدال امری ضروری است.

۲ با عنایت به اینکه آیات و احکام خداوند مبتنی بر قاعده استمرار تجدیدی می‌باشد و احکامش در تمام ادوار گذشته و حال و آینده ساری و جاری است لذا پی گیری واژه اعتدال در قرآن داروی درمان و امری اجتناب ناپذیر است.

۳ آگاه کردن مردم نسبت به سرنوشت خودشان با توجه به مفاد آیه (انَّ اللّٰهَ لَا یَغۡیۡرُ مَا بِقَومٍ حَتّٰی یَغۡیۡرُوا مَا بِاَنۡفُسِهِمۡ) توجه به عدالت و هوشیاری مردم و عدم تضییع حقوق آنان به عنوان یک وظیفه همگانی از اهداف کلی و قطعی این تحقیق می‌باشد.

۱- مفهوم عدل و عدالت

اگرچه در باره واژه اعتدال معنای گوناگونی مطرح شده است اما می‌توان گفت سه معنای ذیل از مهمترین آن است و بقیه معنایها به گونه ای ریشه در این سه معنا دارند :

الف: رعایت حقوق دیگران : حقوق تمام افراد مورد توجه و رعایت قرار گیرد (أعطِ کُلَّ ذی حَقِّ حَقَّهُ)؛

ب: گذاردن هر چیز در جایگاه خود : این تعریف را می‌توان در کلامی از امام علی (ع) یافت ((العدلُ یضعُ الامورَ مواضعَها و الجورُ یرجّحُها عن جَہتِها)) (نهج البلاغه، ح ۴۳۷)؛

ج: توازن و تناسب بین برخی اشیاء.

معنایهای پیش گفته را نیز می‌توان با توجه به اقسام علت هایی که در فلسفه تحقق پدیده ای مطرح شده است ، تمرکز بخشید در حقیقت می‌توان گفت :عدل پدیده ای است که تحقق آن نیاز به علت های چهار گانه پیش گفته داشته و هر یک از تعریف های پیش گفته این پدیده را از دید یکی از علت های در نظر گرفته و وصف می‌کند . (اعطاء کل شیء حقه) اشاره به نقش علت فاعلی (وضع کل شیء موضعه) اشاره به نقش علت صوری و (توازن و تناسب) اشاره به علت غایی دارد .

مفهوم عدل و عدالت ، یکی از عنصرهایی است که می‌تواند سه مفهوم خدا ، انسان و اجتماع را به یکدیگر پیوند دهد و با تکیه براین پیوند رفتارهای متناسب اقتصادی را به ارمغان آورد .

البته با این استدلال که خداوند توانسته است جهانی بیافریند که بدون نیاز به هیچ‌گونه دخالتی به طور خودکار به تعادل برسد . به عبارت دیگر ، چنین تعادلی در نزد این مکتب مظهر عدل الهی است . به گونه ای که خلق جهان به صورتی که قابلیت رهاسازی داشته و واگذاری آن به دست نامرئی قانون های طبیعی ، مظهر چنین تفسیری از عدل الهی است .

این برداشت از عدل الهی در گستره خداشناسی مطلبی که در گستره انسان شناسی، عدالت نیز به نظام طبیعی یا قانون های طبیعی محدود شود. عقلانیت ابزاری یا پیشینه سازی جلوه چنین قانون های در انسان اقتصادی می شود که می تواند انسان را به اعتدال مورد نظر کلاسیک برساند.

آیین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرا می خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه ای است که انسان متعادل تربیت شوند. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و با هویت معرفی می کند و نمونه ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهد و در پی او رود، پیامبر اکرم (ص) معرفی می نماید.

﴿ وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولَ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ﴾ (بقره - آیه ۱۴۳)
امت میانه یعنی امتی که در هیچ امری از امور، خواه نظری و خواه عملی، افراط و تفریط نمی کند و همه برنامه هایش در حد اعتدال است.

عدالت و برابری که در قرآن به قسط تعبیر شده است از جمله اهداف تربیت اسلامی است. قرآن به پیامبر (ص) خطاب می کند و می گوید:

﴿ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ﴾ (اعراف - آیه ۲۹)

بگو که پروردگار من امر به عدالت کرده است. به مومنین دستور داده است که:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ ﴾ (نساء - آیه ۱۳۵)

ای کسانی که ایمان آورده اید در بپا داشتن و اقامه عدالت و برابری بکوشید و گواه و شاهدی بر خدا باشید و همان گونه که خدا عادل است شما هم با اجرای عدالت شاهد و گواهی بر او باشید. در اسلام رعایت عدالت و اقامه قسط با احسان و نیکی توأم است.

«بر هر خردمندی واجب است که در اکتساب فضایل اخلاقی که حد وسط و اعتدال در خوی ها و صفات است و از جانب شریعت مقدس اسلام به ما رسیده است کوشا باشد و از رذایل که افراط و تفریط است اجتناب کند، و اگر در این راه کوتاهی و تفسیر کند، هلاکت و شقاوت ابدی گریبانگیرش شود. (نراقی، ۱۴۰۵، ۴۱)

بهترین نظام تربیتی، نظامی است معتدل که در آن نه امید بیش از اندازه، نه بیم بیش از اندازه حاکم باشد چنان که از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود:

﴿ خَيْرُ الْأَعْمَالِ إِعْتِدَالُ الرَّجَاءِ وَ الْخَوْفِ ﴾ (نهج البلاغه، حکمت ۷۰)

بهترین کارها اعتدال امید و بیم است. (غررالحکم، ج ۱، ۳۵۵). ساختار تربیتی اسلام ساختار معتدل است و مردمان را در بستر اعتدال هدایت می کند و به سوی مقاصد تربیتی سیر می دهد. امام علی (ع) در نخستین خطبه حکومتی خود بدین حقیقت اشاره کرده و فرموده است:

(اليمين و الشمال مَضَلَّة، و الطريقَ الوسطى هي الجادَّة، عليها باقى الكتاب و آثار النبوة، و منها منَعَدُ السُّنَّة، و اليها مُصيرُ العاقبة (نهج البلاغه، كلام ۱۶)

چپ و راست کمینگاه گمراهی است، وراء میانه، راه راست الهی است، کتاب خدا و آیین رسول آن را گواه است و سنت را گذرگاه است و بازگشت بدان جایگاه است. امیرالمؤمنان علی (ع) در توصیف اهل تقوی و سیرت پروا پیشگان که به تربیت کمال دست یافته اند چنین فرموده است :

((فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْغُضَائِلِ، مُنْطَقَهُمُ الصَّوَابُ وَ مَلَيْسَهُمُ الْاِقْتِصَادُ وَ مَشِيهِمُ التَّوَّاضِعُ)) پس پرهیزکاران در این جهان صاحبان فضیلتند. گفتارشان صواب و پوششان میانه‌روی و رفتارشان فروتنی است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

۱-۲- اهل بیت سمبل ، الگو و معیار اعتدالند

تردیدى نیست که رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) و سایر معصومین (ع) کسانی هستند که گوی سبقت را در رشد و کمال و وصول به حق، از همه جهانیان ربوده اند و هیچ انسانی قابل مقایسه با آن نیست، آنان علاوه بر اینکه در هر جا و در موضوع مربوط به حیات و زندگی ، جلوی افراط و تفریط را گرفته اند ، خود معیار و محک اعتدال نیز هستند و سمبل و الگو و مدار حق می‌باشد و همچنانکه در مقالات قبل خاطر نشان ساختیم ، حد اعتدال را از آنان باید آموخت و اسوه و مقتدار سرمشق ، آنان هستند.

حضرت رضا(ع) کوشید در کشاکش دو جریان افراطی ، با ایجاد موازنه ، میان عقل و نقل و تبیین نحوه ی تعامل آن دو ، ((اعتدال و عقلانیت اسلام)) را توأمان به اثبات برساند و به همین دلیل بخش عمده ای از مباحثات و مناظرات آن حضرت در این راستا انجام گرفته است .

الگوی تعادلی، مسیر افراط را برگزیدند و چه بسا ناخواسته به نفی پاره ای از ظواهر و سنت های دینی پرداختند؛ خصوصاً این که در طرف مقابل، منادیان شناخته شده سنت، که غلیم مخالفت با خردگرایی را بر دوش می کشیدند، افراطیاتی بودند که به بهانه وحی، عقل را تعطیل می کردند و همین کشمکش، فضای فکری آن روز را به شدت دوقطبی و شکننده کرده بود.

حضرت رضا(ع) کوشید در کشاکش دو جریان افراطی، با ایجاد موازنه میان عقل و نقل و تبیین نحوه تعامل آن دو، «اعتدال و عقلانیت اسلام» را توأمان به اثبات برساند و به همین دلیل بخش عمده ای از مباحثات و مناظرات آن حضرت در این راستا انجام گرفته است.

با سیری در حیات فکری حضرت رضا(ع) و نهضت علمی ای که آن حضرت آغازید و امامان پسین آن را تدلوم دادند، درمی یابیم که درست آن زمان که مغرب زمین در آتش جهل قرون وسطایی می سوخت و لحظه به لحظه سیر انحطاط فرهنگی را می پیمود و حکمت کلیسایی حاکمیت جبارانه خود را بر هر حکمت و فکرت دیگری می گسترد، در آن سوی مرزها، اندیشه اسلامی با تبلیغ و ترویج آزادی فکری نه تنها از اندیشه های مخالف و معارض برنمی آشفست، بلکه با رویی گشاده و آغوشی گشوده هر اشکال و

شبهه ای را پاسخ می داد و منت طلای ناب و پاک اندیشه خود را به خاک و گل جانها می برد و برتری خود را نه در حذف اندیشه های مخالف، بلکه در مواجهه با آنها جست وجو می کرد.

افراد معتدل با توجه به همه ابعاد حیات و اسلام که آئینی فطری است به سوی حق در حرکتند و صراط مستقیم الهی را می پیمایند .

رسول اکرم (ص) در این باره فرمودند : اما اِنِّی اَصْلَی و اَنَا اَصُوْمٌ و اَفْطَرٌ و اُصْحَكُ و اَبْکِی فَمَنْ رَغِبَ عَنِ مَنَہَاجِی و سَنَتِی فَلَیْسَ مِنِّی ، آگاه باشید من هم نماز میخوانم و هم میخوابم و استراحت می کنم ، هم روزه می گیرم و هم به موقع افطار می کنم و غذا می خورم و هم میخندم و هم گریه می کنم ، پس هر کس از سنت و روش من اعراض و سرپیچی کند ، از من نیست .

رفتار میانهروی کما کان رفتاری پسندیده ، معقول ، مطلوب و اسلامی است و تزویر و سوء استفاده و یا سوء تعبیر آنها ، صرفاً این وظیفه را بر عهده آگاهان و نخبگان جهان اسلام می گذارد که با تبیین دقیق و شفاف مفهوم (میانهروی و اعتدال) و همچنین (افراط) و (تفریط) به خصوص با استعانت از متون و نصوص دین اسلام و اشاره به مصادیق و تطبیقات آنها در ساحت های گوناگون حیات فردی و اجتماعی ، فرصت سوء استفاده را از این گونه افراد ، گروهها ، جناح ها و کشورها بگیرند و حقیقت را بیش از پیش برای ملت ها و به ویژه مسلمانان در اقصی نقاط جهان آشکار سازند .

چنانکه از آیه ۲۵ سوره حدید استفاده می شود ، جمله: لَیْقَوْمَ النَّاسِ بِالْقِسْطِ، قِسْطٌ یَا عَدَالَتُ را به صورت هدف و غایت ارسال پیامبران معرفی می کند (مدرسی ، ۱۴۱۹ : ۴ ، ۴۳۰ : ۱۵ ، ۹۶ ، و مکارم ۱۴۲۱ : ۱۸ ، ۷۱) لام غرض است نه لام عاقبت یعنی غرض از ارسال پیامبران ، فرستادن کتاب ها و بیان موازین این است که مردم به قسط و عدل قیام کنند . از آنجا که قوام انسان به زندگی اجتماعی است و قوام اجتماع هم به معامله هایی است که در بین آنان رواج دارد ؛ بنابراین لازم است که این معامله ها به هر صورت ممکن حفظ شود (طباطبایی ، ۱۴۱۷ : ۱۹ ، ۱۷۰)

یکی دیگر از بازتاب های عدالت تشریحی ، تعلق گرفتن عدالت تحت یکی از لوازم الهی است . البته باید توجه داشت ، عدالت های گستره های فردی و اجتماعی داشته و عدالت اقتصادی مطرح شده زیر مجموعه ای از عدالت اجتماعی است . این آیه از قرآن کریم نشان می دهد، عدالت اجتماعی یکی از مصادیق های این بازتاب از عدالت تشریحی است :

((انَّ اللّٰهَ یَاْمُرُ بِالْعَدْلِ و الْاِحْسَانِ و اِیْتَاءِ ذِی الْقُرْبٰی)) (نحل (۱۶)، ۹۰).

((خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد))

ظاهر سیاق آیه این است که مراد از عدالت ، عدالت اجتماعی است و آن عبارت از این است که با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جا داده شود که سزاوار آن است و این ویژگی اجتماعی است که فرد فرد مکلفین مأمور به انجام آن هستند ؛ به این معنا که خدای سبحان دستور می دهد هر یک از افراد جامعه عدالت را تحقق بخشند و لازمه آن ، تعلق امر متعلق به مجموع نیز است . بنابراین فرد فرد جامعه و همچنین خود جامعه که حکومت عهده دار زمام آن است ، مأمور

به اقامه این حکم هستند . مقصود از احسان ، احسان به غیر است نه اینکه فرد کار نیکو کند ، بلکه خیر و نفعی را به دیگران برساند (طباطبایی ، ۱۴۱۷ : ۱۲ ، ۳۳۲) اعتدال در دوستی و دشمنی

پیشوایان دین در همه امور توصیه به اعتدال کرده اند تا پیروان آنان نسبت به این امر خطیر حساسیت لازم را پیدا کنند و در هیچ امری پا را فراتر از اعتدال نگذارند. از جمله توصیه های آنان، توصیه به اعتدال در دوستی و دشمنی است، چنان که در حدیثی که هم از پیامبر اکرم (ص) و هم از امیرمؤمنان (ع) روایت شده است بر این امر تأکید کرده اند: «أَخْبِبْ حَبِيبَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا، وَأَبْغِضْ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا

دوست خود را دوست بدار از سر اعتدال، شاید روزی از روزها دشمنت شود، و دشمنت را دشمن بدار از روی میانه روی، شاید روزی از روزها دوستت گردد.

امام صادق (ع) در این باره اصحاب خود را نصیحت کرده است: «وَلَا تَطَّلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ اَلَا مَالُوا اَطَّلَعُ عَلَيْهِ عَدُوَّكَ لِمَ يَضُرُّكَ فَاِنَّ الصَّدِيقَ رُبَّمَا كَانَ عَدُوَّكَ (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۰۲)

بهترین زمینه برای رشد و تعالی اعتدال بیم و امید است چنان که در خبری از امیرمؤمنان (ع) آمده است. «خَيْرُ الْاَعْمَالِ اِعْتِدَالُ الرَّجَاءِ وَ الْخَوْفِ (غررالحکم) ص ۳۵۵ .

بهترین کارها اعتدال بیم و امید است .

خدای تبارک و تعالی آدمیان را در چنین زمینه ای به سوی کمال سیر می دهد، چنان که در کتاب الهی کنار آیات عذاب الیم آیات تشویق و امید قرار دارد. و شأن فرستاده گرامی اش بشارت و انداز است .

(اَنَا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا) (بقره، آیه ۱۱۹)

ما تو را به راستی نوید رسان و بیم دهنده فرستادیم .

(وَ مَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا مَبَشِّرًا وَ نَذِيرًا) (فرقان، آیه ۵۶)

و ما تو را جز مرّده دهنده و بیم دهنده نفرستادیم.

راه و رسم اعتدال کوتاه ترین و استوارترین راه تربیت است، راهی که کتاب خدا و آیین پیامبر اکرم (ص) بر آن بنا شده است .

برای روشن شدن مبانی نظری دیدگاه دیدگاه قرآن کریم در این باره ، مفهوم عدل را در دو گستره خدا شناختی و انسان شناختی بررسی می کنیم.

۱-۳- ویژگیهای عدل الهی:

مطابق آموزه‌های اسلامی، ظهور ویژگی عدالت در افعال الهی، در سه گستره مهم تکوین، تشریح، جزا و پاداش تجلی کرده است. محور عدالت تکوینی، نظام آفرینش است. به این معنا که در جهان، تعادل حکومت می‌کند و سرپای آن موزون و متعادل بوده و در ترکیب اجزای آن، تناسب و تعادل به طور کامل رعایت شده است.

(آل عمران (۳)، ۱۸). در این شاخه از عدل الهی در اختیار انسان نقشی نداشته و دستاورد آن، بروز ویژگی تعادل عمومی در جهان است. چنین تعادلی در نظام رفتاری انسان غیر قابل طرح است. در حقیقت این برداشت به جنبه تکوینی و طبیعی این نظام می‌پردازد که جبری و از اختیار بشر خارج است.

عدالت تشریحی پروردگار، به این معناست که خداوند متعال در نظام جعل بوضع و تشریح قانون‌ها، همواره اصل عدل را رعایت کرده است (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۵). این امر بازتاب‌های گوناگونی دارد از یک سو، خداوند متعال در وضع تکلیف‌ها و جعل قانون‌هایی که سعادت و کمال انسان در گرو آن است، فرو گذاری نکرده و در این باره فرستادگانی دارد (حدید (۵۷)، ۲۵). از سوی دیگر، هیچ انسانی را به عملی که بیش از استطاعت وی است، مکلف نمی‌سازد (مومن (۲۳)، ۶۲؛ بقره (۲)، ۲۳۳؛ اعراف (۷)، ۴۲). بازتاب سوم از عدالت تشریحی، این چنین است که تکلیف‌ها و دستورهای وی که به وسیله پیامبران مردم فرستاده شده است، بر اساس عدل و داد استوار است (اعراف (۷)، ۲۹؛ نحل (۱۶)، ۹۰؛ مائده (۵)، ۴۲) بنابراین شریعت الهی به هر سه معنای پیش گفته، عادلانه است. یکی از جلوه‌های دیگر عدل الهی، توازن عمومی است که در چگونگی تجلی این سه شاخه از عدل الهی برقرار است. در صورتی که به یکی از جلوه‌های سه گانه پیش گفته توجه نشود یا تعیین متناسب و هماهنگی از آن مطرح نشود، بی تردید ترسیم توازن عمومی خدشه پذیر است. مقاله حاضر نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های اسلامی در اریه این توازن عمومی کامیاب بوده است.

۱-۴- جلوه‌هایی از عدل الهی در تنظیم رفتارهای اقتصادی

توجه به عدالت جزایی پروردگار می‌تواند برای پدید ساختن انگیزه در این باره که قرآن کریم از آن به عنوان انفاق یاد می‌کند، تاثیر مهمی داشته باشد:

((وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُوا لِلَّهِ وَعَدُوْكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ)) (انفال (۸)، ۶۰).

کلمه ((شئی)) که بصورت نکره به کار رفته است، مفهوم وسیعی را در بر می‌گیرد، یعنی هر چیزی اعم از جان و مال، قدرت فکری، نیروی منطق یا هر سرمایه دیگری را در راه تقویت بنیه دفاعی و نظامی مسلمانان در برابر دشمن انفاق کنید، از خدا پنهان نخواهد ماند و آن را محفوظ داشته و به موقع به شما می‌دهد. در تفسیر جمله ((وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ)) نیز برخی مفسران این احتمال را داده‌اند که جمله عطف به جمله (ترهبون) باشد، یعنی اگر نیروی کافی برای مقابله با دشمنان فراهم سازید، آنها از حمله به شما وحشت می‌کنند و توانایی ستم کردن بر شما را نخواهند داشت. بنابراین ظلم و ستمی بر شما واقع نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۲۹، ۷).

۲- انسان بر فطرت اعتدال

انسان بر فطرت الهی یعنی فطرت مستقیم و معتدل خلق شده که همان فطرت توحید است. از این رو در سوره حمد با ذکر (إهدنا الصراط المستقیم) در واقع از خدا می‌خواهیم به ما توفیق عنایت فرماید که از مسیر اعتدال و راست روی خارج نشویم و بر آن استقامت ورزیم؛ چرا که دیانت ما بر اساس فطرت و این (دین فطری) ترکیب مهمی است که در واقع یکی است. زیرا هم فطرت ما، فطرت اعتدال و استقامت است (و از کجی و ناراستی بیزار و متنفر است) و هم دین ما دین اعتدال و استقامت است و هم این دین بر اساس فطرت، و این خود عین اعتدال، راستی و استقامت است. همچنین قرآن و سنت نیز بر اساس فطرت پاک انسانی است. آری، در قرآن و فطرت اعتدال است، بل عین اعتدالند. قرآن اعتدال خیز برای فطرت اعتدالی است؛ به بیان دیگر قرآن، دستور العمل هدایت و چگونگی حرکت بر این راه اعتدال و استقامت است و نیز موانع این راه را به ما می‌نماید: (ان هذا القرآن یهدی للآتی هی اقوم)، (فاستقیم كما أمرت) راهی که آن اقوام راه هاست، راه اعتدال و استقامت است و قرآن دستور حرکت در چنین راهی را می‌دهد. به این دلیل سیاست، حقوق، اقتصاد، روانشناسی و سایر علوم انسانی باید در این راه سیر کند تا آدمی را در جهت رسیدن به سعادت عظمی و مقصد اعلاّی حیات، که همانا رسیدن به جاذبه ربوبی است، یار و یاور باشد، به بیان بهتر نه تنها سد راه کمال وی نشود بلکه موانع را نیز پیش روی او بردارد. بدین جهت اگر امر و زبان راه استقامت و اعتدال را به باد نسیان بسپارند و از خود راه بتراشند و جان خویش را با ناراستیها بخراشند، بدانان خطاب و عتاب خواهد رسید: (كَلَّا لَمَا یَقْضِ مَا أَمَرَهُ).

۲-۱- نظام احسن در پرتو اعتدال

همه هستی از آن روی که اعتدال در مجموع پیکر آن منتشر و منبسط است، معتدل، و این اعتدال تجلی همان اعتدال محض الهی است. از این رو اگر ما به هستی به طور مجموعی نظر نیفکنیم، شاید متوجه اعتدال موجود هستی نشویم. بنابر این باید به (مجموعه هستی) نظر افکند تا متوجه (نظام احسن) بودن آن شد؛ چنانکه حقیقت نبوی (ص) و حقیقت علوی (ع) مانند صورت عالم طبیعی است. (همانند فصل که محصل است). بنابر این این تشخیص و تعین عالم طبیعت به حقیقت رسول (ص) و علی (ع) است.

۲-۲- اعتدال در قرآن

کلید همبستگی آیات و بخش های مختلف آن در اعتدال است. در مورد این سوال که چرا باید بین آیات و سوره های قرآن هماهنگی و توازن باشد، باید گفت همانگی و توازن اعتدال آفرین است. علامه طباطبایی (ره) به این نکته مهم پی بردند که لولا در قرآن هماهنگی، توازن و انسجام خاصی وجود دارد. ثاباً این انسجام جدایی ناپذیر است. ثالثاً قرآن جامعیت دارد و باید به مجموع آن نگریست.

برخی از اصول اعتدال در قرآن به قرار ذیل است:

جامعیت و هماهنگی، اعتدال آفرین است.

اگر اعتدال در قرآن نبود جامعیت، هماهنگی و انسجام و توازن در آن وجود نمی داشت. در نتیجه نمی شد تفسیر قرآن به قرآن کرد. (راز تفسیر قرآن به قرآن)

چون در قرآن اعتدال نام وجود دارد ، پس می توان آن را میزان قرار داد و انسانیت خویش را با آن محک زد.

اعتدال موجود در قرآن، طبیعی است، زیرا در مجموع هستی اعتدال وجود دارد.

چون در قرآن اعتدال وجود دارد، می توان هر بعدش را محور قرار داد: مانند ((میشاق)) که یکی از کلمات محوری قرآن است. از سوی دیگر چنانکه هر یکی از اسمای الهی نیز جامع همه حقایق است در عین غلبه از یک جهت ، هر بعدی در قرآن نیز جامع همه آن است با غلبه از یک جهت و این نشانی از اعتدال تام الهی در قرآن و امری ((بجاست)).

اسلام دین اعتدال

در قرآن کریم می خوانیم : ((ان الذین عند الاسلام)) در آیه دیگری آمده است : ((و من یتبع غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین)).

از این آیات استفاده می شود که اسلام دین اعتدال است و همه پیامبران بر طریق عدتال و استقامت بوده اند و راه الهی همان راه اعتدال و استقامت است . بنابر این دین همه پیامبران غیر از اسلام چیزی نبوده است . به همین دلیل باید گفت : (دین) نه ادیان. امید اینکه (آب طهور اعتدال) را از دست نورانی آن ساقی باقی بنوشیم تا وجودمان از اعتدال مصفا، و توحید بر جانمان حکمفرما شود. ان شاءالله

دستاوردها ، پذیرای خطرها شده و از سستی می پرهیزد:

((الذین یتفقون اموالهم باللیل والنهار سراً و علانیه فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون)) (بقره (۲)، ۲۷۴)

((آنها که اموال خود را شب و روز ، پنهان و آشکار انفاق می کنند ، مزدشان نزد پروردگارشان است، نه ترسی بر آنها است، نه غمگین می شوند)).

جمله (لهم اجرهم عند ربهم) که به عدل جزایی پروردگار اشاره دارد ، به انفاق کنندگان اطمینان می دهد که پاداش آنها نزد پروردگار محفوظ است تا با اطمینان خاطر در این راه گام بردارند، زیرا چیزی که نزد خدا است خطر ناپودی و نقصان ندارد بلکه تعبیر ربهم (پروردگارشان) ممکن است به این اشاره دارد که خداوند متعال آنها را پرورش می دهد و بر آن می افزاید. جمله ((ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون)) نیز اشاره دارد که آنها هیچ نوع نگرانی نخواهند داشت . زیرا (خوف) درباره امور آینده و حزن و اندوه و درباره به امور گذشته است. بنابر این با توجه به اینکه پاداش انفاق کنندگان در پیشگاه خدا محفوظ است ، نه ار آینده خود

در رستاخیز ترسی دارند و نه از آنچه در راه خدا بخشیده اند ، اندوهی به دل راه می دهند. به عبارت دیگر، آنها ترسی از فقر ، کینه، بخل و مغبون شدن و آنچه انفاق کرده اند، ندارند(مکارم شیرازی ، ۱۳۷۴: ۲، ۳۱۹).

۳- اعتدال انسانی

اکنون به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که قرآن کریم ، مفهوم عدالت را در باره رفتارهای انسانی چگونه مطرح کرده است ؟ آیا در اینجا نیز مفهوم توازن را القا کرده؟ برای پاسخ به این پرسش ، مناسب است که الگوی مطلوب انسان در فرهنگ قرآنی را شناسایی کرد. بهترین روش برای شناسایی این الگو ، ردیابی ویژگی های انسان کامل است . انسان کامل، انسان نمونه و والایی است که عنصرهای لازم را برای انسانیت دارد . افزون بر این باید در هر یک از عنصرهای پیش گفته خلوص بالایی داشته باشد. به این ترتیب می توان ادعا کرد که انسان کامل، نوع انتزاعی است که الگویی بدست آمده از ساخته های ذهنی را نشان می دهد. البته این ساخته های ذهنی، ما به ازای خارجی دارد و حتی یافتن این ما به ازای عینی و عملیاتی ، سبب اطمینان و تایید الگوی پیش گفته می شود (هادوی نیا، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

۳-۱- مهم ترین ویژگی رفتارهای اقتصادی انسان کامل

مهمترین ویژگی رفتارهای اقتصادی انسان کامل از دیدگاه این آیه ها این گونه مطرح شده است :

((والذین اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا و كان بين ذلك قواما)) (فرقان (۲۵)، ۶۷)

((و کسانی که هرگاه انفاق کنند ، اسراف و سخت گیری نمی کنند ، بلکه در میان این دو حد اعتدالی دارند))

انفاق به معنای هزینه کردن و بذل مال برای نیازهای خود یا دیگران است (حسینی همدانی ، ۱۴۰۴: نجفی ، ۱۳۹۸: ۱۴ ،

(۲۶۸)

رعایت حد وسط و میانه در گستره مصرف که در اینجا با واژه قوام به آن اشاره شده ، در آیه ذیل به گونه دیگری مطرح شده است.

(ویستلونک ما ذا ینفقون قل العفو)(بقره (۲)، ۲۱۹)

(و از تو می پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو : از مازاد نیازمندی خود)

در اینجا به جای واژه قوام از عفو استفاده شده است . در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که فرمود (العفو الوسط)

(منظور از عفو (در آیه پیش گفته) حد وسط است)) بنابراین ، این آیه نیز که درباره انفاق یا همان مصرف است ، بر ویژگی اعتدال

یا میانه روی تاکید کرده است (اسراء (۱۷) ، ۲۹)

در گستره توزیع نیز ویژگی اعتدال در قرآن مطرح شده است ، البته در اینجا از واژگان دیگری استفاده شده است:

(و لا تقربوا مال الیتیم الا بالاتی هی احسن حتی یبلغ اشدّه و اوفوا الکیل و المیزان بالفسط لا تکلف نفساً الا وسعها و اذا قلتم

فاعدلوا و لو کان ذا قربی و بعهد الله اوفوا ذلکم و صاکم به لعلکم تذکرون) (انعام (۶) ، ۱۵۲)

۳-۲- فراگیری ویژگی اعتدال انسانی

باید توجه داشت اهمیت ویژگی اعتدال برای الگوی انسانی که قرآن کریم مطرح می‌کند، عمومیت داشته و به رفتارهای اقتصادی اختصاص ندارد. چنانکه در بررسی واژه عبادالرحمن اشاره شد، قرآن این ویژگی را در دیگر جنبه های رفتاری نیز در نظر گرفته و تاکید کرده است. یکی از واژگانی که قرآن کریم برای این معنای عام از اعتدال استفاده کرده، (قصد) است:

(و لَوْ أَنه أَمَامَا التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مَقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْلَمُونَ) (مانده (۵)، (۶۶)

(و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده {قرآن} بر پا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد، جمعی از آنها معتدل و میانه رو هستند، اما بیشترشان اعمال بدی انجام می دهند)

اقتصاد از ریشه قصد به معنای پیمودن راه میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط است (طبرانی، ۱۳۶۷:۲۰۷۳۸) ماده قصد همچنین بر اعتدال و میانه‌روی در هنگام اختصاص روزی و نفقه دلالت می‌کند. البته از نظر زبان گرچه افعال عربی ((قصد)) و ((اقتصاد)) هر دو به معنای راه میانه برا برگزیدن است اما فعل دوم بیشتر بار مادی و اقتصادی را دارد و بر زیاد و کم نبودن)) بلکه متعادل بودن در امور مادی دلالت دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳، ۳۵۳ و زبیدی ۱۴۱۴: ۵، ۱۸۹) بنابراین می‌توان گفت که واژه اقتصاد در زبان عربی به معنای میانه‌روی و اعتدال است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶، ۳۸).

۳-۳- تفاوت نگاه قرآنی به اعتدال انسانی

اهمیت دادن به اعتدال به فرهنگ قرآنی اختصاص ندارد، بلکه در نظریه حد وسط ارسطویی که به نظریه اعتدال طلایی شهرت یافته نیز آمده است. ارسطو باور داشت که: (نفس انسان سه قوه دارد: شهویه، غضبیه و عاقله). هر یک از این قوا سه حد دارد: افراط، اعتدال و تفریط. صفت های سه گانه شره (حرص و آز)، عفت (پاکدامنی) و خمود (سستی و بی حرکتی) به ترتیب حد افراط، اعتدال و تفریط در قوه شهویه هستند. صفت های تهور (بی باکی)، شجاعت و جبن (ترس)، به ترتیب به حد افراط اعتدال و تفریط قوه غضبیه مربوط است و سه صفت جربه (مکر و حيله)، حکمت، و غباروه (کودنی) حد افراط، اعتدال و تفریط قوه عاقله را بیان می‌دارند. هر یک از دو حد افراط و تفریط قوه ها، ردیلت و حد وسط هر یک فضیلت شمرده می‌شوند. از مجموع سه صفت حکمت، شجاعت و عفت، صفت عدالت حاصل می‌شود)) (ارسطو ۱۳۷۸: ۱۱۰۶ ب ۳۶ و ۱۱۰۷ الف ۲)

معیار و شاخصه تامین اجتماعی به معنای عام که شامل تامین اجتماعی به معنای خاصش نیز می‌شود، توازن اجتماعی است. اقتصاد اسلامی با دو واقعیت روبه رو است:

نخست واقعیت طبیعی است به این معنا که انسان‌ها از لحاظ استعداد و توان طبیعی یکسان نبوده و از هوش و قدرت و ابتکار متفاوتی برخوردار هستند. گرچه ساختار اجتماعی و شرایط اجتماعی در رشد استعداد و توان طبیعی گروهی از افراد جامعه یا

سلب امکانات رشد و شکوفایی آن برای عده ای دیگر مؤثر است، اما اختلاف های ذاتی و تفاوت های طبیعی افراد را نمی توان نادیده گرفت.

دوم، واقعیت اعتقادی است، با این توضیح که در نظام اقتصاد اسلام، کار سرچشمه مالکیت خصوصی است. نتیجه ای که از کنار هم قرار دادن این دو واقعیت گرفته می شود، این است که امکان ثروتمند شدن عده ای و به هم خوردن توازن اجتماعی وجود دارد و این عدم توازن می تواند غیر از راه های بهره کشی و فقط از راه کار و تفاوت های فکری، روحی و استعداد های طبیعی پدید آید.

با این حال نباید توازن اجتماعی را به معنای مساوات در درآمد دانست. اختلاف درآمد براساس میزان کار و ابتکار در حدی به رسمیت شناخته شده است که باعث شکل گیری دو طبقه ثروتمند و فقر و تمرکز ثروت در یک طبقه و محرومیت و سلب امکانات در طبقه دیگر نشود. ضمن تامین سطح زندگی واحدی برای افراد، درجه های گوناگونی نیز وجود خواهد داشت. که محصول تفاوت فعالیت و درآمد است.

دولت مهمترین نقش را در برقراری توازن اجتماعی، به عهده دارد که در دو مرحله انجام می پذیرد. در مرحله نخست، دولت باید تعاون و همیاری را که مقدمه لازم برای تامین اجتماعی به معنای عام است، با مدیریت و هدایت خود محقق سازد. در مرحله بعد اگر توازن اجتماعی به سامان نرسیده باشد، باید با دخالت مستقیم، آن را محقق سازد. یکی از راهکارهای مهم این مرحله مربوط به چگونگی تقسیم درآمدهای دولتی است. قرآن کریم با اشاره به این مرحله بر اهمیت توازن اجتماعی این گونه اشاره می کند:

((ما أفلأ الله علی رسولہ من اهل القرۃ فله و للرسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دوله بین الغنیاء متکم و ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا و اتقوا الله ان الله شدید العقاب)) (حشر (۵۹)، ۷)

بنابراین قرآن کریم با تصریح عبارت پیش گفته، پرهیز از تشدید فاصله طبقاتی و پدید ساختن توازن اجتماعی را به صورت مهمترین معیار تامین اجتماعی مطرح می کند.

۴- آثار و نتایج عدم رعایت اعتدال

ارزش هر صفتی در میانه روی در آن است هرگونه افراط یا تفریط، موجب می شود عنوان ممدوح و پسندیده بودن از یک صفت سلب گردد، و عنوان نکوهیده و ردیله بر آن اطلاق شود. صفات نیکو تا زمانی آثار پسندیده به دنبال دارد و برای جامعه سودمند است، که از حد اعتدال خارج نشود. در غیر این صورت نتایج سوء و زیانباری بر آن مترتب خواهد گردید. از این رو افراط در بخشش، به تبذیر، زیاده روی در فروتنی، به ذلت و خواری، و افراط در بزرگ منشی، به کبر و خشم بر اطرافیان منجر می شود. (رسائل، ج ۱، ص ۸۴) در زمینه افعال نیز، شخص، باید اعتدال را نصب العین خویش قرار دهد، مثلاً در معاشرت با دوستان از افراط و تفریط بپرهیزد، زیرا زیاده روی در انس گرفتن و شوخی، از قدر و منزلت فرد نزد دوستانش می کاهد و حتی گاهی ملامت و دلسردی، جایگزین محبت و دوستی شده، باعث می شود شخص به دوستان بد گرفتار آید. در مقابل چنانچه در این امر سستی

ورزد و به مدت طولانی از ملاقات و ارتباط با دیگران اجتناب کند، محبت و علاقه کاهش می‌یابد و شخص دوستان خود را از دست می‌دهد و آن‌ها را از اطراف خویش پراکنده می‌سازد .

آدمی باید در شوخی و مزاج نیز حد وسط را برگزیند و از افراط در شوخی بپرهیزد، زیرا افراط در آن، از ارزش شخصی می‌کاهد همچنین افراط در حزم و احتیاط، موجب می‌شود فرد به هیچ‌کس اعتماد نکند (اعرافی و همکاران، ۱۳۷۷، ص ۳۹) به عبارت دیگر اگر عدل به معنای گذردن هر چیز در جایگاه خود باشد، تشخیص جایگاه هر چیزی و نیز ارتباط این جایگاه با اشیای دیگر گاهی به علم یا علوم دیگری نیاز دارد . بسیاری از این علوم ، تجربی هستند یا عقل در آنها نقش مستقلی ندارد، اما فرد پس از اینکه تمام اطلاعات مربوط به موضوع را کسب می‌کند، به مرحله ای می‌رسد که باید آنها را سازماندهی کند و درباره سازگاری و ناسازگاری آنها با یکدیگر قضاوت کند؛ در این مرحله است که عقل از استقلال کاملی برخوردار است، به همین علت، تکیه بر مفهوم توازن در واژه عدل افزون بر اینکه در بردارنده مفهوم های دیگر است، از بنیادی معرفت شناسی برخوردار است.

نتیجه گیری

۱ در نظر گرفتن مفهوم توازن و تناسب عدل ، از برتری هایی برخوردار است . برقراری ارتباط تنگاتنگ بین حکمت و عدل یکی از برتری ها است . یکی دیگر از برتری های این انتخاب ، هماهنگ بودن با اندیشه هایی است که به طور معمول درباره جایگاه عقل در تشخیص توازن در گستره های هستی شناختی و ارزش گذاری مطرح است .

۲ برداشت هایی که از آموزه های قرآنی درباره عدل الهی و اعتدال انسان می توان ارائه کرد ، حاکی از این است که برگزیدن مفهوم توازن و تناسب برای عدل قابل تایید است .

۳ پیام هایی که قرآن کریم درباره ی اعتدال در سه گستره رفتاری انسان کامل یعنی توزیع ، تولید و مصرف ارائه کرده است ، می تواند موید مناسبی برای این نظریه باشد که در ساختار اندیشه ای قرآن کریم ، آموزنده و عدالت؛ القا کننده مفهوم توازن و تناسب است .

هدف در قرآن کریم به گونه ای مطرح شده که بر عدالت تشریحی پروردگار مبتنی است یعنی کوتاهی نکردن خداوند متعال در نزول کتاب جهت هدایت تشریحی انسان .

به طور کلی ، اعتدال و رعایت حد وسط، خصوصیت تربیتی امت اسلام به شمار رفته است . به خصوص در نظام تعلیم و تربیت ، با توجه به دوره های مختلف سنی نوبلوان ، نوجوانان و اقتصانات منطقه ای و فرهنگی و شرایط روحی و جسمی و جنسی آنان ، طراحی ، ساز و کارهای تربیتی مناسب که بدون عدول از این شاخص ها ، نمی تواند هدف های تربیتی اسلام را تحقق بخشد.



اصل اعتدال در جامعه نه تنها فرصتهای برابر را بوجود می‌آورد بلکه هر نوع تبعیض و اندیشه طبقاتی را از بین می‌برد. وقتی ایمان، تقوی، علم و مجاهدت در راه خدا معیار و ملاک ارزش و فضیلت باشد هر فردی برای کسب این فضایل تلاش می‌کند و جامعه ای مومن و متقی آگاه و کوشا بوجود می‌آید. ان شاء الله

منابع و ماخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت: صادر، سوم

ابوالمکارم، زیدان، ۱۹۸۲ م، علم العدل الاقتصادي، القاهرة، بیروت: دارالتراث.

ارسطو، ۱۳۷۸ ش، اخلاق نیکوما خوس، ترجمه محمد حسن لطفی تبریزی، تهران: انتشارات طرح نو، اول احمدی، سید احمد (۴۸۳۱)، اصول و روش‌های تربیت در اسلام، دانشگاه اصفهان

اعرافی، علیرضا، آرا دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، دفتر همکاری حوزه دانشگاه، سمت، قم

بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: موسسه بعثت، اول

حسینی همدانی، سید محمد حسین، ۱۴۰۴ ق، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران کتابفروشی لطفی

خوانساری، جمال الدین محمد، (۳۷۳۱) شرح غررالحکم و درر الحکم، ج ۳، دانشگاه تهران

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، مفردات غریب القرآن، بیروت: دار العلم، الدار الشامیه، اول

طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه نشر اسلامی، پنجم

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵ ش، مجمع البحرين، محقق و مصحح: سید احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، سوم

طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی

لاهیجی، محمد بن علی شریف، ۱۳۷۳ ش، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، اول

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، اول

..... ۱۴۲۱ ق، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، اول

نجفی، محمد جواد، ۱۳۹۸ ق، تفسیر آسان (منتخب تفاسیر معتبر)، تهران: کتاب فروشی اسلامی، اول

نراقی، مهدی (۵۰۴۱)، جامع السعادات، علم اخلاق اسلامی، ترجمه سید جلال الدین مجتوی، انتشارات حکمت.

هادوی نیا، علی اصغر، ۱۳۸۷ ش، فلسفه اقتصاد (در پرتو جهان بینی قرآن کریم)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول